

ملاحظات، در نامه اعلیحضرت به سران کشورهای ۱+۵ پشتیبانی از کشورهای عرب (بخش پایانی)

امیر فیض - حقوقدان

گفته میشود خاله زنکها که به زیارت امامزاده ها میروند هرچه آرزو وخواست درمخيله خودشان زنده میشود از امامزاده خواستار میشوند؛ از مرگ هوو گرفته تا سلامتی خود و ثروتمند شدن و دختر شوهر دادن ونظام وظیفه نرفتن فرزند، بچه دار شدن وغیره وغیره وكافی است که دست زنک به ضریح برسد که ول کن نیست تا زمین و آسمان را از امامزاده بخواهد.

نامه رئیس شورای تجزیه طلبان به روسای کشورهای ۱+۵ قابل تشبیه به همان دست یافتن زنان به ضریح امام زاده هاست، با این تفاوت که آن خاله زنکها هرچه در اندیشه خودشان دارند عنوان میکنند ولی در نامه رئیس شورا آنچه دیگران میل دارند در دائره خواست از رهبران کشورها قرار گرفته است.

شپنت دوم

در قسمت قبلی این تحریر ^۱ شپنت اول که درخواست از سران کشورهای ۱+۵ برای برداشتن مرزهای کشور ایران بود، بتوضیح رفت اکنون به اتفاق به شپنت دیگر رجوع میشود.

پشتیبانی از کشورهای عرب

در ردیف ۴ نامه رئیس شورای تجزیه طلبان حکم شده که کشورهای جهان (یعنی هم کشورهای ۱+۵ و هم سایر کشورهای جهان) بایست سه کار را انجام دهند (۱)

اول از نهاد هاوگروه های سکولار در منطقه میبایست پشتیبانی کنند (۲)

دوم - کشورهای دمکراتیک جهان، هم با رژیم اسلامی و هم با گروه های دمکراتیک! گفتگو داشته باشند (۳)

سوم - که بسیار مهم است؛ کشورهای دمکراتیک جهان با توجه به تنش های روزافزون در منطقه اهمیت دارد که از نیروهای مستقل و همفکر در جهان عرب پشتیبانی کنند (۴)

تفسیر شیطنت

(۱) نامه ای که خطاب به سران کشورهای ۱+۵ است چطور ممکن است متضمن حکم و یا درخواستی از سایر کشورهایی باشد که طرف نامه قرار ندارند. (نامه به هوا، توقع از زمین)

انسان وقتی خودش فکر نمی کند و فکر و خواست دیگران را عمل میکند خرتوخری و درهمی، جایگزین تدبیر و روابط و تعقل میشود و نامه رابه کسی مینویسد و طرف تقاضایش کس دیگر است.

(۲) نامه رئیس شورا با استفاده از واژه میبایست از سران کشورهای ۱+۵ دعوت جدی به مداخله در امور و حقوق سیاسی ایران تلقی میشود و از آنجا که دعوت مزبور جنبه اختیار و یا درخواست یکطرفه ندارد و از واژه میبایست استفاده شده، میتواند نشان از یک حق و قرار و مدار باشد که یکطرف یعنی شورا (تجزیه طلبان!) به تعهد خود وفادار است و طرف دیگر که کشورهای ۱+۵ هستند استنکاف دارند که از واژه میبایست استفاده شده است.

(۳) تا آنجا که سوابق نشان میدهد، سی و چند سال است که اعلیحضرت همواره خواستار قطع گفتگوی کشورها با جمهوری اسلامی بوده اند ولی اکنون در مقام ریاست شورای تجزیه طلبان! در نظرشان تحولی بنفع جمهوری اسلامی بوجود آمده که به کشورهای جهان اجازه داده اند که با جمهوری اسلامی هم مذاکره کنند.

علت روشن است این تحول در سیاست آمریکا هم نسبت به جمهوری اسلامی بوجود آمده است (بدست ننه نگاه کن و غربیله کن).

(۴) مهمترین خواسته که سعی شده در نامه مزبور چشمگیر نباشد و ضمیمه سکولاریسم مطرح شده، درخواست رئیس شورای تجزیه طلبان! از کشورهای ۱+۵ برای پشتیبانی از کشورهای عرب منطقه که بانبروهای دمکراتیک همکاری دارند می باشد.

باور نمی کردم که چنین چیزی در نامه رئیس خوانده باشم. دویا سه بار خواندم تا حقیقت جای تردید را گرفت. باورم نمیشد که آنقدر بی احتیاطی و بی مبالاتی و بی قیدی که انسان آنهم در مقام ریاست یک فعالیت سیاسی چنین درخواستی را که در ماهیت ایجاد استعداد نظامی برای کشورهای عرب منطقه علیه ایران است از کشورهای جهان بنماید.

حیرت آنجاست که نامه مورد بحث، هم از کشورهای ۱+۵ پشتیبانی از گروهها و نهاد های سکولاریسم را خواسته و هم پشتیبانی از کشورهای عربی مانند عربستان که کانون ضدیت با سکولاریسم است.

این تضاد را جدی بگیرید در سیاست آمریکا هم این تضاد کاملا مشهود است. اگر غیر این بود عجیب بود.

شورائی که هدفش انتخابات آزاد معرفی شده است. اساسا انتخابات آزاد چه ارتباطی دارد با درخواست شورا از کشورهای جهان برای مسلح کردن کشورهای عربی که هم اکنون در ردیف دشمنی با ایران قرار دارند؟!

آیا یک نفر در شورائیست که درک کند درخواست شورا از کشورهای برای کمک نظامی و پشتیبانی از کشورهای عرب با احساسات ملی و ناسیونالیستی ایرانیان تضاد آشکار دارد؟؟ آنها درخواست پشتیبانی از کشورهایی که هم اکنون خود را آماده تعرض به آب و خاک ایران میسازند؟ آنها برای روشنفکران ایرانی که میدانند بخش بزرگی از عقب ماندگی جامعه ایران به دلیل اختلاط فرهنگ و سنت ایرانی و اعراب است، و گواه تاریخ از جنایات اعراب نسبت به ایرانیان فصل خون و شرافت و ناموس است.

آیا میدانند که در فرهنگ ایرانی این درخواست خیانت به کشور محسوب است؟ و متقاضی سرنوشتی همانند مارشال پتن پیدا خواهد کرد؟

گویا همه اینها را میدانند و خیلی بیشتر هم میدانند ولی شورا! و متأسفانه رئیس آن آلت دست همان کشورهای دمکراتیک! است که در نامه شورا! طرف استعدا برای پشتیبانی از کشورهای عرب قرار گرفته اند.

علت این درخواست موهن

همین دیروز خبرگزاریها خبر دادند که پس از ملاقات در کمپ دیوید، دولت آمریکا جواز فروش سلاحهای خیلی پیشرفته به عربستان و اسرائیل که مقابل ایران قرار دارند را صادر کرده است. این تصمیم آمریکا با توجه به تیرگی روابط عربستان و ایران و درگیری عربستان با یمن و امکان سرایت جنگ به کشورهای ساحلی خلیج فارس دارد که با منشور سازمان ملل مغایر است. **اینجاست که درخواست اپوزیسیون**

جمهوری اسلامی! یعنی شورای تجزیه طلبان! که خود را تنها اپوزیسیون میدانند به آمریکا کمک میکند تا توجیه جهان پسندی برای مسلح ساختن و پشتیبانی از اعراب علیه ایران داشته باشد.

عقیده دارم که تمام مواردی که در بالا به آن اشاره شد از باب سکولار و موافقت با مذاکره کشورها با جمهوری اسلامی، اقدامات استتاری برای درخواست همین فقره آخر یعنی پشتیبانی از اعراب است که فعلا منافع آمریکا در خلیج فارس را نمایندگی میکنند.

به بینید جان کری و آقای اوباما در این باب چه میگویند:

اوباما در یادداشتی به جان کری تصریح کرده است: «ارسال تجهیزات و خدمات دفاعی به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس امنیت آمریکا را تامین میکند» - سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت:

«بموجب تصمیم دولت آمریکا کشورهای عضو شورای همکاری صلح یعنی عربستان سعودی - قطر - کویت - امارات متحده - بحرین و عمان خواهند توانست از تجهیزات نظامی آمریکا در زمینه دفاع ضد موشکی و امنیت دریایی و مبارزه با تروریسم بهره مند شوند».

ملاحظه میفرمائید آقای اوپاما، تسلیح کشورهای عرب به تجهیزات و خدمات نظامی پیشرفته آمریکا را از مراتب تامین امنیت آمریکا دانسته. بنابراین تقاضای شورای تجزیه طلبان! دائر به پشتیبانی از کشورهای عربی یک پای تامین امنیت آمریکا محسوب است. **از این خدمت به کشورهای عربی و آمریکا مهمتر چه چیزی میتواند باشد؟**

سیاست آمریکا اینجوری است؛ اقداماتی که علیه کشورها و یا مبانی حقوق بین الملل انجام میدهد مجوزهایی از دولتها و یا مردم آن کشورها را تحصیل میکند؛ مانند تحریم ها که آمریکا ابتدا درخواست سبزی های خارج از کشور را گرفت و بعد تحریم ها را به قوه اجرائی در آورد. اول بخشی از ایرانیان خارج از کشور مدام خواهان کمک آمریکا برای نجات ایران شدند، و بعد آمریکا سرکیسه را شل کرد و علنا نقش دخالت خودش را در جریان سال ۸۸ نشان داد، که مفهوم سیاسی آن این میشد که دخالت در امور ایران بنا بر درخواست جنبش سبز بوده است.

مجوز مسلح ساختن اعراب

در مورد تجهیز کشورهای عرب منطقه علیه ایران آمریکا مجوز آنرا با نامه رئیس شورای تجزیه طلبان! تحصیل و یا عمل انجام شده را به تنفیذ اپوزیسیون جمهوری اسلامی رسانده است.

اهمیت نامه رئیس شورای تجزیه طلبان! در تنفیذ تصمیم آمریکا به مجهز ساختن کشورهای عرب برضد ایران را میتوانید، در بیانات اخیر اعلیحضرت در مصاحبه اخیر با روزنامه «الشرق الاوسط» ملاحظه کنید که ایشان خود را در مقام ناصح جهانیان معرفی و از باب شخصیت خود میفرماید: **«من هنوز فرصت نکرده ام تا با باراک اوپاما بنشینم و این مسئله را مورد بحث قرار بدهم»**

آیا این سخنان را تاکنون از کسی شنیده اید؟ پس نامه به سران کشورهای ۱+۵ و درخواست کمک و پشتیبانی از کشورهای عرب هم یک امر کاملاً استثنائی و سندی با اعتبار استثنائی است، که به اقدام آمریکا در مجهز ساختن اعراب و جاهت سیاسی و بین المللی خواهد داد.

ملاحظه میکنید که چه راحت و ساده این سند ضمیمه اقدام خلاف منشور سازمان ملل از سوی

آمریکا در مجهز ساختن کشورهای عربی، که در آستانه جنگ با ایران قرار گرفته اند شده است.

طرفداری شفاهی آنهم از سوی افراد عادی از کشورهای عرب که همواره علیه ایران بوده اند و حتی در جنگ عراق و ایران و موضوع جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس به ضرر ایران اقدام کرده اند شایسته

یک فعال سیاسی ولودست دوم نیست، و با اعتراض عمومی مواجه میشود. اساسا ایرانیها عاروننگ میدانند که از بیگانه جانبداری کنند تاچه رسد که کشورهای عرب. این قبیل اعمال کار نوریزاده ها و میبیدی هاست که عمله عربستان هستند، نه شیوه رئیس شورای که کارش انتخابات آزاد است؛ این اعمال از مراتب مسلم و شناخته شده همیاری و همکاری و ایجاد استعداد نظامی برای کشور دشمن است که صرفنظر از جنبه قانونی اصول ایرانیت و فرهنگ و اخلاق ایرانی آنرا نهی ابدی میداند.

مشخصه ممتاز مبارزه سیاسی

مشخصه ممتاز و حساس مبارزه سیاسی این است که بین حقوق ملت و استقلال و تمامیت ارضی کشور، با حکومت و حق مردم قائل به تفاوت بود که متاسفانه این مشخصه مورد توجه اعلیحضرت نیست.

مثالی آورده شود بجاست. گربه ای از پنجره وارد اطاقی میشود که پراز اشیاء شکستنی و قیمتی است. بی دقتی در بیرون کردن گربه سبب شکستن تمام شکستنی ها خواهد شد. هنراین است که گربه از اطاق بیرون رانده شود بدون شکستن وسایل در اطاق. مبارزه برای نجات ایران همین حکم را دارد رعایت این مشخصه کار آسانی نیست، بهمین دلیل است که مبارزه سیاسی هم بسیار دشوار و کار هر کسی نیست.

شیطنت سوم دهکده جهانی

درنامه مورد بحث آمده <ایرانیان میخواهند که ایران به دهکده جهانی بازگردد>.

عین فراز نامه به اینجا آورده میشود تا ببیند که باچه تردستی و شامورتی بازی این خواسته درنامه جاسازی شده است.

«مردم ایران خواستار فروریختن تمام دیوارهای ستمگری هستند. ایرانیان خواستار زندگی در صلح، کامیابی، امنیت و مخالف با جنگ هستند. آنها میخواهند که ایران به دهکده جهانی بازگردد»

عادت ما ایرانیان اینجوری است که دوسه سطری از نامه و یا نوشته را میخوانیم و آنهم نه با تعقل، و غالبا نه نامه را تا پایان میخوانیم و نه پاراگراف نامه را. خواننده عادی همینکه به واژه های صلح و امنیت و فروریختن رسید پاراگراف را خوانده شده میدانند و به قسمت پرمعنا و اصل کار <دهکده جهانی> اصلا توجه نمیکند.

ایران کی به دهکده جهانی پیوسته بوده که اکنون نامه رئیس شوراعلاقه آنها را به بازگشت مجدد گواهی داده است؟ این یک بیان و اعلام نادرست و بکلی مجعول و صحنه سازی است. این تشخیص مهم یعنی آمادگی ایرانیان به چه کیفیت برای اعلیحضرت محقق شده که آنرا به سران کشورهای جهان بشارت میدهند.

اعلامات نامه مزبور را بگذارید در کنار اظهارات شیخ حسن که گفت آمریکا کدخداست و با کدخدا بهتر میتوان گنار آمد، آنوقت یک احساس پیوستگی جریانات سیاسی داخل کشور با نامه مزبور هم خودنما خواهد شد که میشود نورعلی نور.

دهکده جهانی یا نظم جهانی چیست

تمام روشنفکران جهان درمقابل نظم نوین جهانی؛ دهکده جهانی، جهانی سازی، نظم بین المللی، که تمامی به یک معنا و آن تشکیل دولت واحد جهانی است، مقاومت میکنند تمام جلسات آن که در کشورهای مختلف باحضورشخصیت های آمریکائی و اروپائی تشکیل میشود با مقاومت مردم و دخالت پلیس ضد شورش همراه است و اصولا همان مقاومت مردم سبب کندی فعالیت آن شده است.

نظم نوین جهانی که همان دهکده جهانی و جهانی سازی و مشابهات آن است پس از فروپاشی شوروی و بهنگام جنگ خلیج فارس ازسوی بوش پدر اعلام و درکنگره آمریکا روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰ گفت: «جهان به این نتیجه رسیده است که تنها نظام تک قطبی است که میتواند صلح و امنیت جهان را تامین کند. برنامه نظم جهانی و یا دهکده جهانی امروزدیگر امر ناشناخته ای نیست؛ دربرنامه شورای روابط خارجی، کمیسیون سه جانبه، بیلدبرگ، کلپ رم، بانک جهانی و اخیرا از زبان باراک اوباما و هیلاری کلینتون و دیگران حتی آنگلا مرکل هم شنیده شده است، نظم نوین جهانی که تبعاتی را بالطبع همراه دارد به حکومتی اطلاق میشود که مدعی است قادرخواهد بود نظم اقتصادی و سیاسی جهانی را که ازحیطه اقدامات دولتها و ملت ها خارج است بوجود آورد و درعمل طرحی است برای متحد کردن قدرت های جهان و تقسیم کشورها و تجزیه آنها و دربیانی کلی حکمرانی کشورهای بزرگ دریک واحد سیاسی برجهان یعنی تسلط ۸ کشورجهان برتمام کشورهای جهان سوم.

این تحفه طنز که پیدایش آن درتورات هم اشاره شده و نابود کننده استقلال و حاکمیت کشورها است و ۱۵ سال بیشتر آنها با مقاومت ملت ها عمرندارد، چگونه رئیس شورای تجزیه طلبان! را مدعی کرده که ایرانیان میخواهند به آن بازگردند؟ از چه زمانی ایران عضو دهکده جهانی بوده که امروز مجددا هوس برگشتن به آن را داشته است؟ مگرقرارنبود که با مردم صادق و راست و شفاف حرف بزنیم.

صحبت دهکده جهانی یک تئوری است و هنوز نه به بام است و نه به بوم ولی > ایرانیان میخواهند که ایران به دهکده جهانی بازگردند! عجب حرف انسان خردکننده ای؟ کدام ایرانیان این خواسته را خواسته اند! که ایران زیرسلطه کشورهای بزرگ و درراس آنها آمریکا قرارگیرد؟

صداقت این است که گفته شود شورای تجزیه طلبان! میخواهد که ایران تیول آمریکا بشود، چرا این خیانت به ایرانیان در آن نامه نسبت داده شده است. مهم آن است که رئیس شورا ازطرف شورا حرف میزند نه از سوی ایرانیان.

حقیقت مطلب چیست

هنگامیکه تحریر قبل را تنظیم میکردم نامه مورد بحث خیلی پریشانم ساخته بود؛ همسرم گفت چرا گرفته اید گفتم چیزی نیست، گفت نخیر حتما هست، لابد اعلیحضرت بیانیه ای داده اند؟ گفتیم نه نامه ای داده اند که بسیار ناراحت کرده است و قدری توضیح دادم گفت: «آمریکا اعلیحضرت را Hostage (گروگان) گرفته و هرچه آمریکا میخواهد او هم مینویسد».

استقبال کشورها خاصه گروهائی که نام دمکراتیک و آزادیخواهی برخودشان گذاشته اند از طرح دهکده جهانی و نظم جهانی خیلی با اهمیت است به همین لحاظ است که برنامه شورای تجزیه طلبان! به سران

کشورهای ۱+۵ آمادگی ایران برای استقبال از دهکده جهانی اعلام شده است، درحالیکه موضوع مذاکرات هسته ای در رابطه با قطعنامه های شورای امنیت هیچ ارتباطی با دهکده جهانی و نظم جهانی و یا کمک و پشتیبانی از کشورهای عرب و یا مرزهای ایران ندارد.

چرا اعلیحضرت تغییر کرده اید

۳۵ سال قبل با بیانیه تاریخی و اعلام آمادگی در دفاع از آب و خاک ایران و مشارکت داوطلبانه در مقابل حمله عراق عرب، ایرانی بودن و خون پدر را در رگهای خود نشان دادید و امروز درست با نامه اخیر به کشورهای ۱+۵ و ابراز علاقه به مجهز ساختن کشورهای عربی برضد ایران چیز دیگری را از خود نشان میدهید.

ای پادشاه من چرا تغییر کرده اید؟